

معاون اجرایی رئیس‌جمهور:

دولت همه ظرفیت‌ها را برای برگزاری باشکوه و ایمن اربعین به کار می‌گیرد

معاون اجرایی رئیس‌جمهور گفت: «دولت وفاق ملی خود را موظف می‌داند برای برگزاری ایمن، روان و باشکوه اربعین، همه ظرفیت‌های اجرایی را به میدان بیاورد؛ تسهیل عبور زائران از مرزها، ساماندهی حمل‌ونقل، خدمات درمانی و امدادی، تأمین اقلام مورد نیاز و هماهنگی مستمر با دولت عراق در دست‌ورکار دستگاه‌های مسئول قرار دارد.»

به گزارش ایرنا، محمدجعفر قائم‌پناه در نشست ستاد توسعه و بازسازی عتبات عالیات، افزود: «قدرت هر فرهنگ را می‌توان از میزان توان آن در دگرگون‌کردن انسان و سازمان‌دادن جامعه سنجید. فرهنگی که بتواند میلیون‌ها انسان را از خانه و آسایش خود بیرون بیاورد، آنان را در مسیری واحد گرد هم آورد، حس مسئولیت را بر خودخواهی غلبه دهد و از دل مردم، شبکه‌ای عظیم از ایثار، نظم، اعتماد و همیاری پدید آورد، از سرمایه تمدنی بزرگی برخوردار است. با چنین معیاری، اربعین حسینی یکی از باشکوه‌ترین نمایش‌های قدرت فرهنگی و اجتماعی در جهان معاصر است.»

وی افزود: «قدرت اربعین را می‌توان در قدم‌های میلیون‌ها زائر دید؛ در خانه‌ای که در آن به روی مسافری ناشناس گشوده می‌شود؛ در سفره‌ای که میزبان، بهترین دارایی خود را بر آن می‌گذارد؛ در جوانی که روزها و شب‌ها بی‌نام و نشان خدمت می‌کند؛ در پیرمردی عراقی که کنار جاده می‌ایستد و از زائر



امام حسین خواش می‌کند میهمان سفره کوچک او باشد. این قدرت، از ایمان سرچشمه می‌گیرد، با محبت گسترش می‌یابد و در خدمت به انسان جلوه می‌کند.»

معاون اجرایی رئیس‌جمهور افزود: «در کنار این ریشه تاریخی و مردمی، سهم راهبردی رهبر شهید، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، در بازشناسی و تقویت ظرفیت جهانی اربعین فراموش‌نشدنی است. به گمان من، در شمار بزرگ‌ترین ابتکارهای فرهنگی و تمدنی دوران رهبری ایشان باید از تقویت راهپیمایی اربعین و تبدیل آن به یک موضوع مهم در افکار عمومی جهان اسلام یاد کرد.»

قائم‌پناه با تأکید بر اینکه برای استمرار این شکوه، توجه به چند اصل ضروری است، گفت: «اصل اول، پاسداشت ماهیت مردمی اربعین است. دولت وظیفه دارد مسیر را هموار کند، امنیت و سلامت را تأمین کند، زیرساخت‌ها را توسعه دهد و موانع را از پیش پای خادمان و زائران بردارد. اما روح اربعین از دل مردم می‌جوشد و میدان ابتکار، ایثار و خلاقیت مردمی باید همواره گشوده بماند. تجربه اربعین نشان می‌دهد که اعتماد به مردم، چه ظرفیت شگفت‌انگیزی برای حل مسائل بزرگ ایجاد می‌کند.»

قائم‌پناه ادامه داد: «اصل دوم، تکریم ملت و دولت عراق است. موکب‌های ایرانی در عراق، میهمان و سفیران فرهنگی ملت ایران هستند. دشمن بارها کوشیده است میان ایران و عراق فاصله بیندازد. اربعین هر سال این طراحی را با صحنه‌ای عظیم از برادری و همدلی ختنی می‌کند. حضور موکب‌داران عراقی در روزهای شهادت و وداع با رهبر شهید و تشییع باشکوه پیکران شهید در کشور عراق، جلوه‌ای فراموش‌نشدنی از همین پیوند بود. مردم عراق در اندوه ملت ایران شریک شدند و نشان دادند که خون شهیدان و محبت اهل بیت، دو ملت را به یکدیگر پیوند داده است.»

معاون اجرایی رئیس‌جمهور اضافه کرد: «اصل سوم، روایتگری هوشمندانه است. امروز چشم‌های جهان به اربعین دوخته شده است. هر موکب می‌تواند رسانه‌ای برای معرفی منطق مهم‌سازی ملت‌های مسلمان باشد. این پیام باید با زبان حکمت، اخلاق و رفتار شایسته منتقل شود. دامنه سفره امام حسین از مرزبندی‌های جناحی و سلیقه‌ای بسیار گسترده‌تر است و همه دلامدگان اهل بیت در آن جای دارند.»

قائم‌پناه به بیان اینکه اصل چهارم، تداوم کنشگری در سایر ایام سال است، گفت: «موکب‌ها ظرفیت بزرگی برای یاری‌رسانی در حوادث طبیعی، کمک به محرومان، پشتیبانی از خانواده‌های آسیب‌دیده و تقویت سرمایه اجتماعی کشور دارند. تجربه حاج قاسم در به‌کارگیری موکب هنگام سیل و بحران‌ها، الگویی ارزشمند پیش روی ما گذاشته است. موکب اربعین می‌تواند در همه روزهای سخت، خانه امید و پناه مردم و سفیر همدلی باشد.»

وی گفت: «نمونه درخشان همدلی مردم و این روحیه مسئولیت‌پذیر را در همین روزهای دشوار شاهد بودیم. هنگامی که وزیر نیرو از مردم خواست با کاهش مصرف، به پایداری برق خانگی در استان‌های جنوبی درگیر جنگ و عبور خانواده‌ها از گرمای طاقت‌فرسای تابستان کمک کنند، مردم بزرگوار با صرفه‌جویی نزدیک به دو هزار مگاوات به این فراخوان پاسخ دادند. این همراهی شگفت‌انگیز نشان داد که فرهنگ مواصلات و همدلی، در جان مردم ما ریشه دارد؛ همان فرهنگی که در مسیر اربعین سفره می‌گستراند، در روز بحران نیز از آسایش خود می‌کاهد تا چراغ خانه موطنش روشن بماند. چنین جامعه‌ای، بزرگ‌ترین سرمایه ایران و استوارترین پشتوانه کشور در روزهای سخت است.»

امیرشکوری، رئیس مرکز مطالعات و تحقیقات نیروی پدافند هوایی ارتش در گفت‌وگو با «ایران» تشریح کرد

داستان تولد سپر بومی ایران



گفت و گو

در جنگ ۴۰ روزه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران، هم‌زمان با حملات تجاوزکارانه گسترده دشمن، شبکه پدافند هوایی کشور نیز در حد امکانات و ظرفیت‌های موجود، مأموریت سنگین دفاع از آسمان ایران را برعهده داشت و با رهگیری و مقابله با جنگنده‌ها، پهپادها و موشک‌های متخاصم، نقش مؤثری در کاهش محدود کردن دامنه حملات ایفا کرد. هرچند در چنین نبرد پیچیده و بی‌سابقه‌ای، برخی سامانه‌های پدافندی نیز آسیب دیدند و دشمن آمریکایی-صهیونیستی توانست برخی شهرهای کشور را مورد حمله قرار دهد، اما این واقعیت به هیچ وجه از ارزش و اهمیت نبرد مستمر و شجاعانه پدافند هوایی کشور نمی‌کاهد. چه آنکه در پاسخ‌های متقابل ایران، تعداد قابل توجهی از سامانه‌های دفاعی پیشرفته دشمن نیز مورد اصابت موفق موشک‌ها و پهپادهای ایران قرار گرفت. همچنین تمام پایگاه‌های نظامی و تأسیسات مرتبط با آمریکا در سراسر منطقه نیز مورد اصابت‌های دقیق قرار گرفت و خسارات قابل توجهی به دشمن وارد شد. به همه این دلایل،

استقلال پدافند هوایی همزمان

شد با تشدید تحریم‌های نظامی و محدودیت در تأمین تجهیزات دفاعی. از سوی دیگر، رهبر شهید انقلاب همواره بر خودکفایی و بومی‌سازی توان دفاعی تأکید داشته‌اند. در چنین شرایطی، چه عواملی باعث شد بومی‌سازی سامانه‌های پدافندی به یک ضرورت راهبردی برای جمهوری اسلامی ایران تبدیل شود؟

بومی‌سازی تجهیزات دفاعی را نباید یک تصمیم مقطعی یا واکنشی به تحریم‌ها دانست. این راهبرد، محصول تجربه‌های میدانی، شناخت دقیق تهدیدات و درک این واقعیت بود که امنیت یک کشور را نمی‌توان بر پایه وابستگی به دیگران بنا کرد.

پیش از انقلاب اسلامی، بخش عمده نیازهای دفاعی کشور از خارج تأمین می‌شد. ساختار نیروهای مسلح نیز بر همین مبنا شکل گرفته بود؛ یعنی طراحی، تولید، تعمیر، تأمین قطعات و حتی ارتقای بسیاری از تجهیزات، به شرکت‌های و دولت‌های خارجی وابسته بود. شاید این وابستگی در شرایط عادی چندان محسوس نبود، اما با پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز تحریم‌های گسترده، آسیب‌پذیری این مدل به‌خوبی آشکار شد.

دفاع مقدس نقطه عطف این تجربه بود. در طول جنگ تحمیلی، ایران بارها با این واقعیت مواجه شد که حتی برای تأمین ساده‌ترین اقلام دفاعی نیز با محدودیت روبه‌رو است. در بسیاری از موارد، کشورهای مدعی حقوق بشر حاضر نبودند ابتدایی‌ترین نیازهای دفاعی ایران را تأمین کنند. این تجربه نشان داد که در شرایط بحران، هیچ کشوری امنیت خود را بر پایه واردات تجهیزات نظامی نمی‌تواند تضمین کند.

از همین جا بود که خودکفایی از یک «انتخاب» به یک «ضرورت» تبدیل شد. اگر کشوری نتواند تجهیزات مورد نیاز خود را تولید یا دست‌کم بازتولید کند، در زمان جنگ با بحران، با قطع زنجیره تأمین عملاً بخشی از توان دفاعی خود را از دست خواهد داد. بنابراین، بومی‌سازی برای جمهوری اسلامی ایران صرفاً به معنای ساخت یک سامانه یا یک موشک نبود؛ بلکه به معنای ایجاد یک چرخه کامل از دانش، طراحی، تولید، تعمیر، ارتقا و پشتیبانی بود؛ چرخه‌ای که کشور را از وابستگی راهبردی خارج کند.

ازبایی عملکرد پدافندی کشور، تنها با استناد به اصابت‌های دشمن ممکن نیست، بلکه باید آن را در چارچوب یک نبرد چندلایه و پیچیده تحلیل کرد. نکته دیگری که باید مورد توجه قرار داد، این است که برخلاف پدافند چندلایه آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه، ایران با آنکا به قدرت بومی خود پای در این نبرد گذاشت و اولین‌هایی را هم رقم زد. از جمله شناسایی و رهگیری جنگنده اف-۳۵ برای اولین بار در تاریخ دنیا، انهدام جنگنده اف-۱۵ آمریکا برای اولین بار در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و انهدام تعداد قابل توجهی از پهپادهای پیشرفته جاسوسی و عملیاتی دشمن آمریکایی-صهیونیستی.

در همین بستر، برای بررسی روند شکل‌گیری توان بومی پدافند هوایی جمهوری اسلامی ایران، الزامات خودکفایی در شرایط تحریم و همچنین نقش راهبردی رهبر شهید انقلاب در توسعه فناوری‌های دفاعی که اکنون گوشه‌ای از ثمرات آن را می‌بینیم، با امیر سرتیپ علی شکوری، رئیس مرکز مطالعات و تحقیقات نیروی پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به گفت‌وگو نشستیم. در این گفت‌وگو، مسیر شکل‌گیری فناوری‌های بومی پدافندی، مهم‌ترین دستاوردهای این حوزه و تجربه‌های حاصل از نبردهای اخیر مورد واکاوی قرار گرفته است.

عامل مهم دیگر، تحریم فناوری بود.

بسیاری تصور می‌کنند تحریم صرفاً به معنای نفروختن سلاح است، در حالی که بخش مهم‌تر تحریم‌ها، جلوگیری از انتقال فناوری، نرم‌افزارهای تخصصی، تجهیزات آزمایشگاهی، مواد اولیه و دانش فنی بود. هدف دشمن این بود که ایران حتی توان تولید تجهیزات مورد نیاز خود را نیز به دست نیاورد. در چنین شرایطی، اگر کشور به سمت توسعه دانش بومی حرکت نمی‌کرد، هر روز فاصله فناوری ما با رقبای منطقه‌ای بیشتر می‌شد. بنابراین، سرمایه‌گذاری در صنایع دفاعی در واقع سرمایه‌گذاری برای حفظ استقلال کشور بود.

مسأله مهم دیگر، ایجاد بازدارندگی متناسب با توان اقتصادی کشور است. جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه نمی‌توانست وارد رقابت تسلیحاتی با قدرت‌هایی شود که صدها میلیارد دلار بودجه نظامی دارند. اگر قرار بود صرفاً از طریق خرید تجهیزات، موازنه قدرت برقرار شود، طبیعتاً این مسیر نه از نظر اقتصادی امکان‌پذیر بود و نه از نظر راهبردی منطقی.

راهکار جمهوری اسلامی، حرکت به سمت تولید تجهیزات بومی، هوشمند و متناسب با نیازهای عملیاتی کشور بود؛ تجهیزاتی که ضمن هزینه کمتر، اثربخشی بالایی داشته باشند و بتوانند هزینه هرگونه تجاوز را برای دشمن به شکل محسوسی افزایش دهند. در واقع، فلسفه بسیاری از سامانه‌های بومی ایران، ایجاد بازدارندگی از طریق نیواوری و آنکا به دانش داخلی بوده است، نه رقابت در خرید تسلیحات گران‌قیمت.

نکته مهم دیگر، استقلال در بهره‌برداری از تجهیزات دفاعی است. هر سامانه‌ای که از خارج خریداری شود، تا سال‌ها به کشور سازنده وابسته می‌ماند؛ از تأمین قطعات گرفته تا به‌روزرسانی نرم‌افزار، تعمیرات اساسی و حتی نحوه استفاده عملیاتی. این وابستگی، در شرایط بحران می‌تواند به یک نقطه ضعف تبدیل شود.

تجربه برخی کشورهای منطقه نیز نشان داده است که صرف برخورداری از تجهیزات پیشرفته، به معنای داشتن قدرت دفاعی مستقل نیست. بسیاری از این کشورها بدون حضور مستشاران خارجی یا پشتیبانی شرکت‌های سازنده، امکان بهره‌برداری کامل از سامانه‌های خود را ندارند. در مقابل، کشوری که فناوری طراحی و تولید را در

ساخت تجهیزات پیشرفته نظامی تنها در انحصار قدرت‌های بزرگ است و ایران ناگزیر باید نیازهای خود را از خارج تأمین کند. رهبر شهید با تأکید مستمر بر اعتماد به توان داخلی، این نگاه را تغییر دادند. ایشان همواره بر این باور بودند که اگر فرصت، اعتماد و میدان عمل در اختیار متخصصان ایرانی قرار گیرد، انسان قادر خواهند بود پیچیده‌ترین فناوری‌ها را نیز بومی‌سازی کنند.

این تغییر نگاه، شاید مهم‌تر از تولید هر سامانه‌ای بود؛ زیرا پیش از آنکه یک موشک، یک رادار یا یک سامانه پدافندی ساخته شود، باید این باور در فرماندهان و متخصصان شکل می‌گرفت که «ما می‌توانیم». بسیاری از دستاوردهای امروز، در حقیقت محصول همین تحول ذهنی است.

راهبرد دیگر، اتصال میان دانشگاه، صنعت و نیروهای مسلح بود. رهبر انقلاب بارها تأکید کرده‌اند که مسائل دفاعی کشور باید با آنکا به ظرفیت علمی دانشگاه‌ها و نخبگان داخلی حل شود. نتیجه این نگاه، شکل‌گیری شبکه‌ای از همکاری میان مراکز علمی، صنایع دفاعی، شرکت‌های دانش‌بنیان و مجموعه‌های عملیاتی بود.

از سوی دیگر، رهبر انقلاب همواره بر اعتماد به جوانان تأکید داشته‌اند. بخش قابل توجهی از پروژه‌های بزرگ دفاعی کشور توسط متخصصان جوانی اجرا شده که در آغاز راه، تجربه چندان‌ی نداشتند، اما با اعتماد به آنها و فراهم شدن فرصت فعالیت، توانستند به نتایجی دست یابند که در گذشته دور از دسترس تصور می‌شد.

یکی دیگر از ویژگی‌های این رویکرد، تبدیل شکست به بخشی از فرآیند پیشرفت بود. در فناوری‌های پیشرفته، دستیابی به موفقیت بدون آزمون و خطا امکان‌پذیر نیست. رهبر انقلاب همواره بر این نکته تأکید داشتند که نباید از شکست‌های مقطعی هراس داشت؛ بلکه هر تجربه، حتی اگر به نتیجه مطلوب نرسد، می‌تواند زمینه‌ساز موفقیت‌های بعدی باشد. همین نگاه باعث شد جسارت طراحی، نیواوری و حرکت به سمت فناوری‌های پیچیده در صنایع دفاعی کشور تقویت شود.

از دیگر اقدامات راهبردی، تقویت ساختارهای تحقیق و توسعه و جهادهای خودکفایی در نیروهای مسلح بود. این مراکز به‌تدریج به موتور محرک نیواوری در حوزه دفاعی تبدیل شدند. بسیاری از سامانه‌های امروز در اختیار نیروهای مسلح قرار دارد، حاصل فعالیت همین مجموعه‌هاست؛ مجموعه‌هایی که مأموریت آنها تنها تعمیر یا مهندسی معکوس نبود، بلکه طراحی، توسعه و ارتقای مستمر فناوری‌های دفاعی را دنبال می‌کردند. نکته مهم دیگری این است که رهبر انقلاب هیچ‌گاه خودکفایی را به معنای انزوا یا بی‌نیازی از علم روز دنیا تعریف نکرده‌اند. مقصود از خودکفایی، دستیابی به توان طراحی و تولید و تصمیم‌گیری مستقل است؛ به‌گونه‌ای که کشور در مسائل حیاتی و راهبردی، وابسته به اراده دیگران نباشد. بر همین اساس، هرجا امکان استفاده از دانش جهانی وجود داشته، باید از آن بهره برد؛ اما این استفاده نباید به وابستگی راهبردی منجر شود.

در مجموع، بزرگ‌ترین میراث رهبر انقلاب در حوزه دفاعی را باید ایجاد یک زیست‌بوم پایدار خودکفایی دانست؛ زیست‌بومی که در آن دانشگاه، صنعت، نیروهای مسلح، شرکت‌های دانش‌بنیان و نخبگان علمی در یک مسیر مشترک حرکت می‌کنند. اگر امروز جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌هایی مانند موشکی، پهپادی و بسیاری از فناوری‌های پیشرفته به جایگاهی قابل توجه رسیده است، این دستاورد پیش از آنکه محصول یک پروژه خاص باشد، نتیجه شکل‌گیری همین زیست‌بوم و نگاه راهبردی است که طی سال‌ها تفکری که خودکفایی را از یک برنامه نظامی به یک پروژه خاص تبدیل کرد، به بلوغ رسیده است.

اگر بخواهیم میراث فنی و راهبردی رهبر انقلاب را در چند دستاورد شاخص خلاصه کنیم، کدام پروژه‌ها بیش از همه بازنتاب‌دهنده این نگاه هستند؟ این راهبردها عمل چه تغییری در توان دفاعی کشور ایجاد کرد؟

اگر بخواهیم میراث رهبر انقلاب را صرفاً در چند سامانه یا محصول دفاعی خلاصه کنیم، در واقع حق مطلب را ادا نکرده‌ایم. ارزش اصلی این راهبرد، تولید یک موشک، یک رادار یا یک سامانه پدافندی نبود؛ بلکه ایجاد توان طراحی، توسعه و ارتقای مستمر فناوری در داخل کشور بود. امروز اگر صنایع دفاعی ایران قادرند به سرعت خود را با تهدیدات جدید تطبیق دهند، این نتیجه همان زیرساختی است که طی سال‌ها شکل گرفته است. با این

حال، برخی پروژه‌ها به‌دلیل اهمیت راهبردی خود، نماد این مسیر هستند که یکی از برجسته‌ترین آنها سامانه پدافند هوایی «پاور ۳۷۳» است. رهبر انقلاب بر یک نکته اساسی تأکید کردند: اگر دیگران نیاز دفاعی ما را تأمین نمی‌کنند، باید این نیاز را خودمان برطرف کنیم. همین نگاه، موتور محرک طراحی و ساخت سامانه «پاور ۳۷۳» شد. امروز، همین سامانه به یکی از نمادهای خودباوری و توان بدرسی دفاعی کشور تبدیل شده است.

البته در جریان جنگ اخیر، درباره عملکرد برخی سامانه‌های پدافندی نیز پرسش‌هایی مطرح شد. گاهی این سؤال مطرح می‌شود که اگر سامانه‌ای مانند «پاور ۳۷۳» از توانمندی بالایی برخوردار است، چرا در برخی حملات آسیب دید؟

پاسخ این پرسش، در ماهیت پدافند هوایی نهفته است. پدافند یک تجهیز منفرد نیست؛ بلکه یک شبکه چندلایه است که همه اجزای آن باید در کنار یکدیگر عمل کنند. هر سامانه برای مأموریت مشخصی طراحی می‌شود. سامانه‌ای مانند «پاور ۳۷۳» برای مقابله با اهداف راهبردی در بردهای بلند ساخته شده است، اما همانند نمونه‌های مشابه در دنیا، برای حفاظت از خود نیز به لایه‌های مکمل دفاع نزدیک نیاز دارد. اگر هر یک از این لایه‌ها کامل نباشد، طبیعی است که امکان آسیب‌پذیری وجود داشته باشد.

بنابراین، ارزیابی یک سامانه صرفاً بر اساس اصابت یا عدم اصابت به آن، تحلیل دقیقی نیست. معیار اصلی، عملکرد کل شبکه پدافندی و توان آن در کشف، رهگیری، درگیری و حفظ پایدارتی عملیاتی است.

نکته‌ای که اهمیت بیشتری دارد، این است که امروز فناوری طراحی و تولید این سامانه به‌طور کامل در اختیار متخصصان داخلی قرار دارد. در همین دلیل، هر تجربه عملیاتی به فرصتی برای ارتقای سامانه تبدیل می‌شود. این مزیت، دقیقاً همان تفاوت میان یک فناوری بومی و یک تجهیز وارداتی را نشان می‌توان استفاده کرد، اما فناوری بومی را می‌توان اصلاح، تکمیل و متناسب با تهدیدات جدید بازطراحی کرد.

نمونه دیگر این مسیر، پیشرفت صنعت پهپادی کشور است. جمهوری اسلامی ایران امروز در زمره معدود کشورهایی قرار دارد که توان طراحی و تولید طیف گسترده‌ای از پهپادهای شناسایی، رزمی و پشتیبانی را در اختیار دارد. این موفقیت صرفاً به تولید یک پرنده بدون سرنشین محدود نمی‌شود، بلکه حاصل دستیابی به مجموعه‌ای از فناوری‌های پیشرفته در حوزه موتور، سامانه‌های هدایت و کنترل، الکترونیک، مخابرات، هوش مصنوعی و مواد پیشرفته است.

ویژگی مهم این دستاوردها آن است که هزینه دفاع را برای جمهوری اسلامی ایران کاهش داده و در مقابل، هزینه تهاجم را برای دشمن به شکل قابل توجهی افزایش داده است. در واقع، فلسفه خودکفایی دفاعی تنها تولید تجهیزات بیشتر نبود؛ بلکه طراحی سامانه‌هایی بود که با کمترین هزینه، بیشترین بازدارندگی را ایجاد کنند. تجربه جنگ اخیر نیز اهمیت این راهبرد را بیش از گذشته آشکار کرد. در هر جنگی، همه طرف‌ها آسیب می‌بینند و هیچ سامانه‌ای در جهان مصونیت مطلق ندارد. همان‌گونه که سامانه‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران هدف حملات قرار گرفتند، سامانه‌های چندلایه و پیشرفته دشمن نیز در برابر حملات موشکی ایران آسیب‌پذیر بودند. آنچه اهمیت دارد، توان بازسازی و بازبایی قدرت تجهیزات بیشتر نبود؛ بلکه طراحی سامانه‌هایی بود که با کمترین هزینه، بیشترین بازدارندگی را ایجاد کنند.

تجربه جنگ اخیر نیز اهمیت این راهبرد را بیش از گذشته آشکار کرد. در هر جنگی، همه طرف‌ها آسیب می‌بینند و هیچ سامانه‌ای در جهان مصونیت مطلق ندارد. همان‌گونه که سامانه‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران هدف حملات قرار گرفتند، سامانه‌های چندلایه و پیشرفته دشمن نیز در برابر حملات موشکی ایران آسیب‌پذیر بودند. آنچه اهمیت دارد، توان بازسازی و بازبایی قدرت تجهیزات بیشتر نبود؛ بلکه طراحی سامانه‌هایی بود که با کمترین هزینه، بیشترین بازدارندگی را ایجاد کنند.

از همین منظر، مهم‌ترین میراث رهبر انقلاب در حوزه دفاعی، ساخت یک سامانه یا دستیابی به یک فناوری خاص نیست؛ بلکه تبدیل خودکفایی به یک ظرفیت پایدار ملی است. ظرفیتی که باعث شده جمهوری اسلامی ایران امروز بتواند نیازهای راهبردی خود را با آنکا به دانش، صنعت و نیروی انسانی داخلی تأمین کند و در برابر فضاها، تحریم‌ها و تهدیدات، قدرت بازبایی و استمرار توان دفاعی خود را حفظ کند.